• حقوق بشر، فرهنگ و تناقض‌های معاصر: نگاهی به محدودیت‌های زنان والیبالیست محجبه در فرانسه

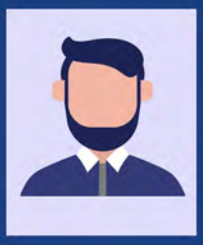

جناب آقای
بهنام نادری دره شوری
دانشجو کارشناسی ارشد
رشته روابط بین الملل
دانشگاه اصفهان

اخیراً خبری در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه قانون‌گذاران فرانسوی محدودیت‌هایی برای حضور زنان والیبالیست محجبه در رقابت‌های رسمی وضع کرده‌اند. این موضوع در نگاه اول ممکن است صرفاً یک تصمیم قانونی محلی به نظر برسد، اما با نگاهی عمیق‌تر، پرسش‌هایی درباره مفهوم حقوق بشر و تعارض آن بافرهنگ‌ها مطرح می‌کند. حقوق بشر، که در غرب اغلب بر آزادی‌های فردی و برابری تأکید دارد، در این مورد با یک خط‌قرمز فرهنگی مواجه می‌شود: ارزش سکولاریسم یا لائیسیته در فرانسه. این یادداشت استدلال می‌کند که این تناقض نه‌تنها محدودیت‌های حقوق بشر جهان‌شمول را آشکار می‌کند، بلکه بر ضرورت بازتعریف آن باتوجه‌به هویت‌های فرهنگی تأکید دارد.

تناقض در آزادی و فرهنگ

اصل لائیسیته در فرانسه، که جدایی دین از امور عمومی را ترویج می‌کند، به‌عنوان یک ارزش فرهنگی اساسی تلقی می‌شود. قانون‌گذاران فرانسوی، ممنوعیت نمادهای مذهبی (مانند حجاب) در برخی حوزه‌های عمومی یا ورزشی را تلاشی برای حفظ برابری و بی‌طرفی می‌دانند. بااین‌حال، این تصمیم از منظر بسیاری از ناظران، به‌ویژه در جوامع غیرغربی، نقض آشکار آزادی فردی است که یکی از ستون‌های اصلی حقوق بشر به شمار می‌رود. برای زنی که حجاب را بخشی از هویت یا باور خود می‌داند، چنین محدودیتی نه‌تنها آزادی انتخاب او را سلب می‌کند، بلکه هویت فرهنگی‌اش را نیز نادیده می‌گیرد. اینجاست که تناقض پدیدار می‌شود: چگونه می‌توان ادعای آزادی داشت، اما در عمل آن را با استناد به یک ارزش فرهنگی خاص محدود کرد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خط‌قرمز فرهنگی در حقوق بشر

حقوق بشر مدرن، که ریشه در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) دارد، اغلب به‌عنوان مجموعه‌ای جهان‌شمول ارائه می‌شود. بااین‌حال، نمونه‌هایی مانند مورد فرانسه نشان می‌دهد که این جهان‌شمولی در عمل با خطوط قرمز فرهنگی برخورد می‌کند. لائیسیته برای فرانسه یک ارزش غیرقابل‌مذاکره است، همان‌طور که حجاب برای برخی جوامع اسلامی بخشی از هویت دینی و فرهنگی تلقی می‌شود. این تعارض نشان می‌دهد که حقوق بشر، علی‌رغم ادعای فراگیری، در بستر فرهنگ‌ها معنا می‌یابد و نمی‌توان آن را از ارزش‌های محلی جدا کرد. به بیان دیگر، آنچه در یک فرهنگ «حق» تلقی می‌شود، ممکن است در فرهنگی دیگر «محدودیت» به نظر برسد.

ضرورت بازنگری حقوق بشر با تأکید بر هویت فرهنگی

این تناقض ما را به پرسشی اساسی می‌رساند: آیا حقوق بشر می‌تواند بدون توجه به فرهنگ‌ها به‌صورت یکسان اعمال شود؟ منتقدان جهان‌شمولی حقوق بشر استدلال می‌کنند که این مفهوم بیش از حد به ارزش‌های غربی وابسته است و نیاز به بومی‌سازی دارد. در این راستا، حفظ هویت فرهنگی نه‌تنها یک حق، بلکه یک ضرورت است. اگر فرهنگ‌ها نادیده گرفته شوند، حقوق بشر ممکن است به ابزاری برای تحمیل یک الگوی فرهنگی خاص تبدیل شود، نه یک چارچوب عادلانه برای همه. برای مثال، در جوامع اسلامی، می‌توان به دنبال حقوقی بود که هم ارزش‌های دینی را پاس بدارد و هم اصول انسانی مانند عدالت و آزادی را تضمین کند. این رویکرد می تواند به یک «حقوق بشر اسلامی» یا هر شکل بومی دیگر منجر شود که مبتنی بر حقیقت و هویت محلی است

نتیجه‌گیری

مورد محدودیت زنان والیبالیست محجبه در فرانسه نمونه‌ای روشن از برخورد حقوق بشر با خط‌قرمزهای فرهنگی است. این تناقض نشان‌دهنده ضعف‌های حقوق بشر جهان‌شمول در انطباق با تنوع فرهنگی است. به‌جای نادیده گرفتن فرهنگ، باید آن را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر پذیرفت و در قانون‌گذاری‌ها لحاظ کرد. این امر نه‌تنها هویت ملت‌ها را حفظ می‌کند، بلکه به تدوین حقوقی منصفانه‌تر و فراگیرتر کمک می‌کند. در نهایت، شناخت اسطوره‌ها و ارزش‌های فرهنگی و تلاش برای حفاظت از آن‌ها می‌تواند راهی به‌سوی حقوق بشری باشد که به‌جای ایجاد تناقض، به وحدت در عین کثرت منجر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی